

بررسی اقتدار در گفتمان سردار قاسم سلیمانی با تکیه بر سازه‌های معنا ساز: نمونه سخنرانی خطاب به ترامپ

شیوا صادقی^۱

سمیه صولتی^۲

چکیده

گفتمان سردار قاسم سلیمانی باز نمود اقتدار مردم‌گرایانه و اندیشه‌های مبارزه‌طلبانه روشن‌فکری دوران‌اندیش است که علیه نابسامانی‌های سیاسی و نظامی موجود در غرب آسیا قد برافراشته است. با عنایت به اهمیت به‌کارگیری نظریات علمی در گفتمان‌کاوی، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی بخشی از سخنرانی سردار سلیمانی در یادواره شهدای همدان-خطاب به ترامپ- با تکیه بر سازه‌های معنا ساز هلیدی پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سردار سلیمانی در گفتمان خویش از ظرفیت‌های زبانی و گزینش‌های گذرایی و وجهیتی به خوبی در راستای کانونی‌سازی فرهنگ شهادت و برجسته‌سازی گفتمان «خود» و کم‌رنگ ساختن گفتمان «دیگری» در پیوند با تروریسم بهره برده است؛ در سطح اندیشگانی شمار فراوان فرایندهای مادی، دال بر اهمیت بازخوانی کنش‌های منفی و فعالیت‌های ددمشانه ترامپ است. در این راستا، استفاده از بندهای خبری، بر غلبه عنصر گزارشی و قطعیت دیدگاه سردار نسبت به جنگ‌افروزی و جنایات آمریکا در منطقه دلالت می‌کند. پس از جملات خبری با شمار بندهای پرسشی مواجه هستیم که از ارزش زیبایی‌شناختی برخوردار است، چنان‌که در تمامی موارد با مقوله‌بندی توییخ و سرزنش، آمریکا را در پیوندی ابدی با تروریسم، ویرانی و کشتار قرار می‌دهد.

کلید واژه‌ها: گفتمان‌کاوی، سازه‌های معنا ساز، هلیدی، سخنرانی یادواره شهدای همدان، سردار قاسم سلیمانی.

۱- Email: sh.sadeghi@gmail.com

۲- Email: solatis@yahoo.com

۱- عضو هیئت علمی گروه ادبیات عرب دانشگاه پیام نور

۲- دانش‌آموخته دکتری ادبیات عرب دانشگاه رازی کرمانشاه

(نویسنده مسئول)

مقدمه

با توجه به جایگاه ارزشمند سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در میان برجسته‌ترین شخصیت‌های سیاسی و محبوب ایران در سال‌های اخیر و با عنایت به بیان روان و در عین حال متین و محکمی که جهت‌مندانه و در راستای پیش‌برد اهداف اعتقادی و مبارزاتی و القای ایدئولوژی خود در سخنرانی‌های متعدد به کار گرفته است، هرگونه پژوهش در گفتمان وی قطعاً از ارزش و اهمیت والایی برخوردار خواهد بود، به‌ویژه اگر مقوله زبان‌شناختی و سازه‌های معنا ساز گفتمانی در کلام این شخصیت اساس تحلیل قرار گیرد؛ که به‌جاست درباره آن پژوهشی جدی و همه‌جانبه انجام پذیرد.

زبان‌شناسی نقش‌گرا، یکی از سه نگرش مسلط زبان‌شناسی نظری، یعنی زبان‌شناسی صورت‌گرا، نقش‌گرا و زبان‌شناسی شناختی است که هر یک به‌نحوی در جست‌وجوی ایجاد سازوکاری مناسب و اعمال آن در کشف و تبیین ارتباط گفته یا متن با کارکردهای فکری-اجتماعی (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳) و به‌عبارتی تحلیل گفتمانی متن هستند. زبان در رویکرد نقش‌گرای هلییدی به‌عنوان نظامی از معانی تلقی می‌شود که به همراه خود صورت‌هایی را در بر دارد و معانی از طریق این صورت‌ها تبلور می‌یابند. (روبنز، ۱۳۹۳: ۱۸۸)

براساس رویکرد مورد نظر، نظام محتوایی تمام زبان‌ها در سه سازه معنا ساز اندیشگانی، بینافردی و متنی ارزیابی می‌شود که در کنار هم درک عمیق‌تری از متن را برای خواننده فراهم می‌آورند. این پژوهش که تحلیل گفتمانی نمونه‌ای از با اقتدارترین سخنرانی‌های حاج قاسم سلیمانی -در چهارم مرداد ۱۳۹۷، یادواره عملیات رمضان در حسینیه امام خمینی(ره) همدان- خطاب به ترامپ را اساس کار خود قرار داده، رویکرد هلییدی و سازه‌های معنا ساز را به‌عنوان ابزاری کارآمد برای تحلیل متن به کار گرفته است و با استفاده از فرایندهای فعلی مطرح شده در ساختار اندیشگانی و وجهیت در ساخت بینافردی، لایه‌های معنایی این سخنرانی را بررسی و برای رسیدن به نتیجه بهتر، با شمارش تمام جمله‌واره‌ها و مشخص کردن گذرایی و وجهیت هر بند نشان می‌دهد که سردار سلیمانی چگونه با استناد به ظرفیت‌های زبانی، اندیشه‌های انتقادی و مبارزه‌طلبانه خویش را در قالب یک سخنرانی محکم ارائه می‌دهد.

آنچه بر ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر می‌افزاید، این است که در زمینه گفتمان‌کاوی و زبان‌شناسی سخنرانی‌های سردار سلیمانی تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است، لذا بررسی

ساخت اندیشگانی و بینافردی این اثر برای دانشجویان علاقه‌مند به حوزه تحلیل گفتمان و درک بهتر اندیشه‌های یک مبارز روشن‌فکر مفید خواهد بود.

۱- پیشینه پژوهش

در زمینه گفتمان‌کاوی و تحلیل زبان‌شناختی سخنرانی‌های حاج قاسم سلیمانی، تاکنون هیچ‌کار پژوهشی صورت نگرفته است و درباره ایشان تنها می‌توان از تحقیقاتی نام برد که به بررسی شخصیت و خاطرات سردار و نقش ویژه وی در حل بحران‌های داخلی، غرب آسیا و فروپاشی داعش پرداخته‌اند. در ذیل به ذکر مواردی از آن می‌پردازیم:

- کتاب «قاسم سلیمانی، ذکریات و خواطر» توسط علی‌اکبر مزدآبادی نگارش شده و مرکز المعارف للترجمة در بیروت سال ۲۰۱۷م آن را منتشر کرده است. نویسنده در این کتاب از سردار به‌عنوان کابوس داعش و غرب یاد می‌کند و سپس خاطرات متنوعی از دفاع مقدس، از زبان سردار بیان می‌کند.

- کتاب «من قاسم سلیمانی هستم سرباز ولایت» نوشته ناصر کاوه در سال ۱۳۹۸ است. در این اثر به بیان رشادت‌های سردار شهید از جنگ تحمیلی تا جنگ با داعش، شهادت و وصیت- نامه ایشان پرداخته شده است.

- مقاله «نقش نیروی قدس در حل بحران‌های غرب آسیا»، توسط شعیب بهمن در شماره ۶۹ مجله مطالعات راهبردی جهان اسلام (۱۳۹۶) و مقاله «ایران، نفوذ و اقتدار منطقه‌ای کدام دیپلماسی؟» توسط جواد مددی در شماره ۶۹ مجله مطالعات راهبردی جهان اسلام (۱۳۹۶) به بررسی نقش سپاه ایران و در رأس آن سردار سلیمانی در حل بحران‌های منطقه‌ای پرداخته‌اند. بررسی پیشینه و ادبیات پژوهش نشان می‌دهد تاکنون هیچ‌یک از سخنرانی‌های سردار سلیمانی به‌عنوان یک شخصیت برجسته سیاسی در ایران و غرب آسیا، بر اساس یک نظریه علمی و زبان‌شناختی مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است، لذا این پژوهش نخستین تحلیل گفتمانی از سخنرانی ایشان خطاب به ترامپ به‌شمار می‌آید که بررسی گزینش‌های اندیشگانی و بینافردی در کلام سردار را اساس کار خویش قرار داده است و بنا دارد با تکیه بر گفته‌های سردار، خواننده را با برش‌هایی از نظام فکری و عقیدتی این فرمانده محبوب تاریخ ایران اسلامی در مواجهه با استکبار آشنا کند و همین بر ارزش کار می‌افزاید.

۲- گذری بر زندگی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

سردار شهید قاسم سلیمانی در سال ۱۳۳۵ در روستای قنات ملک از توابع شهرستان رابر کرمان به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی در کرمان مشغول بنایی شد و چندی بعد در سازمان آب به‌عنوان پیمانکار مشغول به کار شد و در همان سال‌ها فعالیت‌های انقلابی خود را آغاز کرد. (کاوه، ۱۳۹۸: ۱۸) پس از آن به عضویت سپاه درآمد و با شروع جنگ تحمیلی چندین گردان از سپاهیان کرمان را آموزش و به جبهه اعزام کرد. سردار سلیمانی در سال ۱۳۶۰ با حکم محسن رضایی به فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله که شامل نیروهایی از کرمان، سیستان و هرمزگان بود، منصوب شد.

وی در طول دوران دفاع مقدس، با لشکر تحت امر خود در عملیات‌های زیادی از جمله والفجر ۸، کربلای ۴، کربلای ۵، تک شلمچه و مرصاد حضور مؤثر داشت تا آنجا که لشکر وی جزء لشکرهای اصلی و خط‌شکن سپاه در آن سال‌ها محسوب می‌شد. (جمعی از مؤلفین، ۱۳۹۸: ۱۸) نقش سردار در مدیریت منطقه از سال ۱۳۷۶ آغاز شد، زمانی که وی به فرماندهی نیروی قدس رسید؛ نیرویی که در ابتدا به‌عنوان یک نهاد نظامی چندان میان افکار عمومی مشخص نبود اما به دلیل نقشی که در مقابله با تهاجم نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران بازی کرد به تدریج به‌عنوان یک قدرت اساسی در سطح منطقه مطرح شد. (کاوه، ۱۳۹۸: ۲۱)

تابستان سال ۱۳۸۵ همزمان با حمله رژیم صهیونیستی به لبنان، حاج قاسم خود را به عماد مغنیه و سیدحسن نصرالله رسانید تا بار دیگر اسرائیل و آمریکا را شکست دهد؛ این شکست باعث شد آوازه حاج قاسم در دنیا بیچد و دشمنان کینه او را به دل بگیرند. مهم‌ترین شاهکار سلیمانی نبرد تمام‌عیار با گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه بود که سبب شد تا دشمنانش در سازمان سیا او را «قوی‌ترین مأمور مخفی در خاورمیانه» بنامند. (اکبری، ۱۳۹۶: ۴)

در اسفند سال ۱۳۹۷ امام خامنه‌ای، نشان ذوالفقار عالی‌ترین نشان نظامی ایران را به سردار اعطا کرد. (کاوه، ۱۳۹۸: ۱۲) ایشان همواره به‌وسیله مقامات آمریکایی و صهیونیستی تهدید به ترور می‌شد. سردار در پاسخ به این تهدیدها می‌گفت: «این تهدید نیست، کمک به شوقی است» و «شهادت برای من همانند فرزند دور افتاده از مادر است.» (مهروان‌فر، ۱۳۹۷: ۱۳) تا این‌که سرانجام دشمن کینه‌توز که رشادت و قدرت سردار قاسم سلیمانی را تاب نیاورد در بامداد ۱۳ دی ۱۳۹۸ با حمله موشکی به خودرو حامل سردار و ابومهدی المهندس در اطراف فرودگاه بغداد، ایشان و همراهانش را به شهادت رساندند.

۳- زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی

زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی متأثر از نظریه‌پردازان مکتب نقش‌گرایی اروپا از جمله جان فرث، یلمسلو و پراگ است. (ابوالحسنی و میرمالک ثانی، ۱۳۸۷: ۱۳۱) این افراد زبان را شبکه‌ای درهم تنیده از سیستم‌ها می‌دانند که از رهگذر گزینش‌های تو در تو افاده معنی می‌کند و ابزاری برای برقراری ارتباط میان افراد جامعه و در نتیجه، نهادی اجتماعی قلمداد می‌شود. در این راستا زبان‌شناسی همچون شاخه‌ای از جامعه‌شناسی، به بررسی آن دسته از واکنش‌های اجتماعی می‌پردازد که بر انتقال معنا به‌واسطه زبان مبتنی هستند. (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۸۸: ۱۲۴) هلیدی ساخت‌های زبانی را تنها از راه بافت‌های اجتماعی که زبان به آن مربوط است، قابل بررسی می‌داند، لذا در نظریه خویش سه فرا نقش یا سازه اجتماعی عمده اندیشگانی، بینافردی و متنی را در نظر می‌گیرد که در هر ارتباطی، اساس نظام دستوری زبان را تشکیل می‌دهد.

سازه اندیشگانی به گذرایی یا بیان تجربه‌های درونی و بیرونی گفته می‌شود که با بررسی فرایندهای فعلی قابل دستیابی است و به این مهم می‌پردازد که اعمال چگونه نمایش داده می‌شوند؟ چه کسی آن‌ها را انجام می‌دهد؟ و درباره چه یا چه کسی انجام شده‌اند؟

در مطالعه این ساخت، نکته اساسی این است که مجموعه‌ای از گزینش‌های زبانی پیش روی نگارنده هست و هر آنچه که به رشته تحریر می‌آید، می‌تواند به صورت دیگری بیان شود؛ این تعبیر نشانه‌شناختی به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که مناسب یا نامناسب بودن گزینش‌های زبان را در رابطه با موقعیتی که در آن به کار رفته‌اند، تشخیص دهد. (هلیدی، ۱۹۸۵: ۱۸) هلیدی در این جستار برای فهم بهتر متون بر روی گزینش‌های راوی و تمرکز وی بر نظام گذرایی زبان با استفاده از فرایندهای فعلی تأکید می‌کند. در هر عملی سه مؤلفه قابل تغییر وجود دارد:

۱. خود فرایند که توسط گروه فعلی عینیت می‌یابد و به شش فرایند قابل تقسیم است: فرایند مادی شامل همه بندهایی است که رخداد حادثه یا انجام عملی را نشان می‌دهد. فرایند ذهنی مربوط به احساسات، شناخت و ادراکات انسانی است. فرایند رفتاری به بیان رفتارهای فیزیولوژیکی روان‌شناختی می‌پردازد و فرایند رابطه‌ای شکل خاصی از «بودن» را ترسیم می‌کند و به دو گروه وصفی و شناختی تقسیم می‌شود؛ در بند وصفی شرکت‌کننده‌ای به نام «شاخص»، مشخصه یا صفت را بیان می‌کند و شرکت‌کننده «حامل» آن چیز یا کسی است که صفت یا مشخصه به آن نسبت داده می‌شود؛ شرکت‌کنندگان بخش شناختی نیز شناخته و

شناسا هستند. فرایند کلامی نیز شامل افعالی از قبیل: گفتن، اعلام کردن، پرسیدن، هشدار دادن و دستور دادن است. اما فرایند وجودی، فرایندی است که به کنش‌ها و رویدادها نمی‌پردازد، بلکه وجود مطلق را می‌رساند. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۳-۴۷)

۲. شرکت‌کنندگان فرایندهای فوق که به ترتیب کنشگر، حسگر-پدیده، رفتارگر، شاخص-حامل، شناسا-شناخته، گوینده-شنونده و موجود نامیده می‌شوند.

۳. عناصر حاشیه‌ای که عبارت‌اند از: گره و دامنه زمانی-مکانی، چگونگی و سبب که موقعیت‌های مربوط به آن فرایند به‌شمار می‌آیند. (هلیدی، ۱۹۹۴: ۱۰۲)

دیگر فرا نقش زبان، سازه بینافردی است که بیان‌گر چگونگی تعامل با دیگران و حفظ روابط اجتماعی است و بنا به مقاصدی همچون تأثیرگذاری بر مخاطب، القای دیدگاه‌های خود، ارائه اطلاعات و یا گرفتن اطلاعات برقرار می‌شود. این سازه در نظریه هلیدی در قالب این مفهوم قابل بررسی است که آنچه میان دو طرف رد و بدل می‌شود یا اطلاعات است یا خدمات، به این صورت که در رابطه میان گوینده و شنونده یا اطلاعاتی در قالب وجه خبری ارائه می‌شود، یا این که در قالب وجه پرسشی درخواست گرفتن اطلاعاتی می‌شود، و یا در نهایت خدماتی در قالب وجه التزامی دریافت می‌شود. (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۶)

سومین نقش زبان، سازه متنی و جمله‌سازی است که گوینده را قادر می‌سازد، آنچه را می‌خواهد بگوید به‌گونه‌ای منسجم و سازمان یافته در قالب بند ارائه دهد. (صالحی، ۱۳۸۶: ۳۵-۳۷) در بخش اصلی پژوهش با تحلیل بندهای متعددی از سخنرانی مورد نظر به درک بهتری از سازه‌های اندیشگانی و بینافردی دست خواهیم یافت؛ و اما به علت گستردگی فرا نقش متنی از بررسی بافت متنی سخنرانی خودداری کرده و آن را به پژوهشی مستقل موکول می‌کنیم.

۴- پردازش تحلیلی موضوع

۴-۱. گزینش اندیشگانی و بازنمود تجربه انسانی

برای بررسی ساختار اندیشگانی سخنرانی سردار و تعیین سبک گزینشی ایشان در به اختیار گرفتن فرایندهای فعلی، تمام جمله‌واره‌های متن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند، به غیر از مواردی که کارکرد ثانویه معنا، آنها را از شکل طبیعی نظام گذرایی خارج کرده است و به ساخت بینافردی موکول می‌شود. در این راستا چگونگی رمزگذاری واقعیت در سخنرانی هدفمند سردار خطاب به ترامپ بدین شرح است:

سخنرانی دکتر روحانی رئیس جمهور محترم ایران (بیانی)، ارزش این سخنرانی و تأثیر مهمی که در وحدت، انسجام و اثرات تربیتی که در جامعه دارد (رابطه‌ای)، خائن خواندن هرکس که این گفتمان آمریکایی ستیز را تضعیف کند (رابطه‌ای)، پاسخ دادن سردار به سخنان ترامپ (بیانی)، ادبیات حقیرانه ترامپ و شاخصه‌های آن (رابطه‌ای)، حرف زدن وی با سران کشورها (بیانی)، جنایت‌های آمریکا در عراق، افغانستان، یمن، فلسطین، غزه، جنگ ۳۳ روزه، حمایت از اسرائیل، امارات و عربستان (مادی)، خواسته‌های ایران مبنی بر ظلم‌ناپذیری (ذهنی)، نمایش اقتدار نظامی، توان و پشتوانه دینی سپاه جمهوری اسلامی ایران (رابطه‌ای).

از آنجا که بخش نهایی سخنان سردار سلیمانی در یادواره شهدای همدان، خطاب به ترامپ، از نظر بیان ظلم‌ستیزانه و افشاگرانه بارز و برجسته است، بستری مناسب برای پاسخگویی به سؤالات مرتبط با گزینش‌های هدف‌دار در سطح اندیشگانی این گفتمان آمریکایی‌ستیز است؛ این که سردار از رهگذر روابط جانشینی، چه واژگانی را برای تجسم جنایات آمریکا، سیاست و ادبیات ترامپ و قدرت ایران برگزیده است و یا بندهای گزینش شده در محور همنشینی، کنش محور هستند یا بازتاب عواطف، توصیفی از کیفیت وقایع‌اند یا بحث از بودن‌ها و نبودن‌ها، گفت‌وگو محوراند یا رفتارگر، همه در سطح اندیشگانی زبان بررسی می‌شود.

سردار سلیمانی در این سخنرانی تلاش می‌کند ضمن حمایت از موضع رئیس‌جمهور ایران، سخنان سخیف ترامپ را به حاشیه براند و بدین صورت مفهوم مورد نظر خود را بهتر در عمق جان مخاطب بنشانند:

- «رئیس جمهور عزیز و ارزشمند ما کلمات خیلی ذی‌قیمتی که برخاسته از قلب و وجدان ملت ایران بود بر زبان جاری کردند.»

- «اما رئیس جمهور آمریکا در جواب فرمایشات رئیس جمهور عزیزمان مطالبی سخیف را در توثیت خود بیان کرد. این شأن ریس جمهور محترم کشور بزرگ اسلامی ایران نیست به او جواب بدهد، جواب این سخنان بی‌ارزش را بدهد.»



شکل شماره ۱. نمونه اول ساخت اندیشگانی سخنرانی سردار سلیمانی

سردار سلیمانی از همان آغاز سخنرانی به مخاطب می‌گوید که ماجرا فرمایشات رئیس جمهور ایران (چه چیزی) است که ترامپ (چه کسی) در توثیق خود در جواب (برای چه) مطالب سخیفی بیان کردند (فرایند بیانی). این نوع شروع با افعال بیانی، حاکی از روشنگری ماجرا برای حاضرین یعنی مخاطبین است تا آنها را با ارزش بیانات جسورانه مقامات سیاسی ایران در موقعیت‌های حساس و اثر انسجام‌بخشی و تربیتی که در جامعه خواهد داشت، آگاه سازد.

این نوع شروع از همان آغاز برجسته‌سازی گفتمان خود و به‌حاشیه‌رانی و طرد گفتمان رقیب را به همراه دارد، چنانکه سردار گفتمان «خود» را با کلمات ارزشی چون «محترم»، «عزیز»، «کلمات ذی قیمت»، «کشور بزرگ اسلامی» تقویت می‌کند و در مقابل گفتمان «دیگری» را با عبارت «سخیف» به حاشیه می‌راند و با پیشبرد سخنان خود حتی در راستای طرد گفتمان رئیس جمهور آمریکا عمل می‌کند: «با ادبیات کاباره‌چی و کسی که اداره‌کننده قمارخانه است با جهان حرف می‌زند، وقتی با چین حرف می‌زند، وقتی با روسیه حرف می‌زند، وقتی با اروپا حرف می‌زند، وقتی با جهان حرف می‌زند، انسان احساس می‌کند که یک قمارباز حرف می‌زند.»



شکل شماره ۲. نمونه دوم ساخت اندیشگانی سخنرانی سردار سلیمانی

توصیف شیوه حرف زدن ترامپ با دو عنصر حاشیه‌ساز کیفیت و همانندی یعنی «کاباره-چی» و «قمارباز» در گفت‌وگو با سران دیگر کشورها، در حقیقت پایین آوردن شأن این رئیس جمهور در حد یک فرد ناچیز و حقیر و دال بر عدم صلاحیت وی در یک منصب عالی‌رتبه است. چنان‌که مشاهده می‌شود، بررسی نظام‌گذاری به‌گذاری به تحلیلگر اجازه می‌دهد تا به خوبی جذب و برجسته‌سازی یک قطب و طرد و به حاشیه‌رانی قطب مقابل را درک کند و علاوه بر آن نابرابری و قدرت را در یک گفتمان نشان دهد و نقش‌های فعال یا منفعل کنشگران اجتماعی و فعالیت‌هایی را که در آن شرکت داشته‌اند، ترسیم کند.

این‌گونه بازنمایی کنشگران اجتماعی با عناوینی چون فعال‌سازی و منفعل‌سازی مطرح می‌شود، بر این اساس زمانی که کنشگر اجتماعی به‌عنوان نیروی فعال و پویا در کنش اجتماعی بازنمایی شود، فعال‌سازی رخ داده و آنگاه که کنشگر متحمل اثر یک کنش می‌شود، منفعل‌سازی صورت گرفته است. به‌عنوان مثال «آمریکا» در گفتمان متن مورد بررسی حضوری فعال دارد اما آیا این حضور مثبت است یا منفی؟ در متن مورد بررسی آمریکا، سران آمریکایی و شخص ترامپ در همه فعالیت‌ها کنشی فعالانه داشته، اما در همه موارد منفی و به جنایت و ویرانی ختم شده است. مثال‌های زیر همگی دال بر این ادعاست:

- «شما با ۱۱۰ هزار سرباز و هزاران دستگاه تانک و نفربر و امکانات نظامی و صدها فروند هواپیمای جنگی و صدها فروند هلی‌کوپترهای پیشرفته آمدید، یک سازمان چند بنیه که از سلاح ابتدایی برخوردار بود - آن هم بعد از حادثه سنگین ۱۱ سپتامبر - به افغانستان حمله

کردید، جنایت‌هایی را انجام دادید و از هیچ جنایتی فروگذار نکردید. عروسی‌ها را تبدیل به عزا کردید، روستاها را با خاک یکسان کردید.»

- «وحشتناک‌ترین جنایت‌هایی که در قرون وسطی نمونه نداشت، شما در عراق انجام

دادید... شما با تانک وارد خانه‌های مردم شدید و زن و بچه‌های مردم را زیر گرفتید.»

- «شما یک جنگ ۲۰۰۰ میلیارد دلاری را در یمن با پشتوانه سعودی و امارات به راه

انداختید.»



شکل شماره ۳. نمونه سوم ساخت اندیشگانی سخنرانی سردار سلیمانی

در تمام این بندهای مشخص شده، فرایندهای فعلی از نوع مادی است و با دو نوع مشارک اصلی روبه‌رو هستیم؛ این مشارکین غالباً سران آمریکا هستند که نقش کنشگر دارند و با ظلم و ستم بر مردم منطقه (افغانستان، عراق و یمن) که در این بندها کنش‌پذیر هستند، زمینه تهدید و جنایت را فراهم آورده‌اند. لذا در همه مثال‌های بالا آمریکا به‌عنوان کنشگری فعال و منفی بازنمایی می‌شود.

به‌عنوان مثال در گزاره یک و دو، افغانستان و عراق در شرایط منفعلی نمایان می‌شوند، در حالی که آمریکا فعال در ویران‌گری و کشتار نشان داده می‌شود. در مثال سوم نیز دلالت معنایی، اقدامات خشونت‌بار آمریکا است؛ یمن، هدف حمله، کشتار و جنایت قرار می‌گیرد و عربستان در دستیابی به سلاح‌های پیشرفته فعال بازنمایی می‌شود:

- «یک جنگ ناجوانمردانه را در یمن به راه انداختید. یک سازمان در مقابل شماست، شما

همه امکانات فنی‌تان را، هواپیماهای بدون سرنشینتان را، بیش از ۲۸۰۰ دستگاه مهم‌ترین

تانک‌های دنیا، لئوپارد آلمان، آبرازن آمریکا، تی ۹۰ روسیه، چلنجر انگلیس، هواپیماهای اف ۱۵

اف ۱۶، تورنادو و همه هلی‌کوپترها و همه پهپادهای مدرنی را که در اختیار دارید، بدون خط

قرمز در اختیار عربستان قرار دادید.»

این بخش از گفتار روشنگرانه حاج قاسم سلیمانی، حاکی از این است که آمریکا فعالانه یا خود در اقدامات تروریستی نقش دارد و یا به شکل غیرمستقیم در به راه‌اندازی جنگ در خاورمیانه نقش دارد. شمار فراوان سلاح‌های جنگی و ذکر اسم و نوع این اسلحه‌ها به‌عنوان «ابزار» و «عناصر حاشیه‌ساز»، نمایانگر اقدامات تهدیدآمیز آمریکا در منطقه و متضمن این است که این کشور از تروریسم حمایت می‌کند و تهدید اصلی برای امنیت منطقه محسوب می‌شود.

این‌گونه سردار سلیمانی با پیش بردن خطی جنایات آمریکا در منطقه، مشخص کردن ماجرا، کنشگر، هدف، کیفیت و ابزارهای جنگی، یک سخنرانی متناسب با شگردهای گفتمانی افشاگرانه ارائه می‌دهد و سپس با فرایندهایی ذهنی «خواستاری» و «شناختی» خواسته‌های مردم و سپاه ایران - ظلم‌ناپذیری و عدم سازش با آمریکا - را بیان می‌کند و دانسته‌های آمریکا در رابطه با قدرت ایران را یادآور می‌شود:

- «ایران نمی‌خواهد، نیروهای مسلح ایران نمی‌خواهد.»
- «بدانید اشهد بالله هیچ شبی نیست که ما نخوابیم و به شما فکر نکنیم.»
- «بدان در هر آنجا که شما فکر نمی‌کنی، ما از آن چه فکر کنید به شما نزدیک‌تریم.»
- «در هر آن کجا که تصور نمی‌کنی ما در کنار شما هستیم.»
- «شما می‌دانید این جنگ یعنی نابودی و پایان همه امکانات شما.»
- «اشتباه بزرگی می‌کنید. می‌دانید قدرت ما را در منطقه، می‌دانید توان ما را، می‌دانید توان ما در جنگ نامتقارن چگونه است.»



شکل شماره ۴. نمونه چهارم ساخت اندیشگانی سخنرانی سردار سلیمانی

در گفتمان سردار سلیمانی خطاب به آمریکا و ترامپ، افعالی که بر عواطف و احساساتی از قبیل اندوه و شادی، درد و حسرت، عشق و کینه دلالت داشته باشد، حضور ندارد. روند بهره-

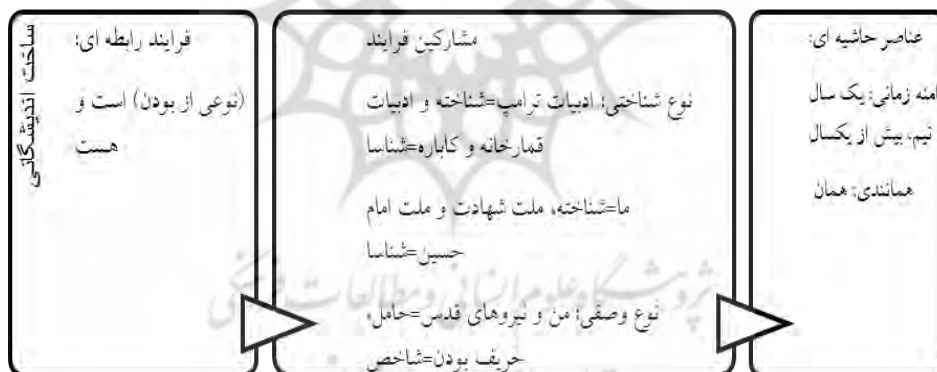
گیری از فعل‌ها، ابتدا «خواستاری» است و فرایندهای ذهنی، خواسته‌های ملت ایران و سپاه مبنی بر مخالفت با آمریکا، عدم تسلیم و سازش را مطرح می‌کند. پس از آن با گستره‌ای از فرایندهای ذهنی مربوط به حیطة «دیدن» و «دانستن» و «فکر کردن» مواجه هستیم که کاملاً هم‌پوشانی دارند و با یادآوری قدرت ایران در منطقه، آمریکا را به دیدن و تفکر درست درباره نفوذ و قدرت ایران در جهان وا می‌دارد.

بسامد فرایند ذهنی در گفتار سردار، نسبت به فرایندهای مادی، رابطه‌ای و بیانی کمتر است. کاربرد اندک این فرایند نشان می‌دهد که سردار سلیمانی در این سخنرانی تشویش ذهنی و دل‌مشغولی چندانی ندارد و بیشتر با جهان بیرون و کنش‌های مادی در ارتباط بوده‌اند و یا در روشنگری ماهیت سران آمریکایی و توصیف شاخصه‌های سپاه ایران، نیاز بیشتری به استفاده از گزاره‌های رابطه‌ای حس کرده‌اند:

- «اولاً به رغم این که یک سال و نیم، بیش از یک سال از رئیس جمهوری این شخص در آمریکا می‌گذرد هنوز ادبیات ترامپ همان ادبیات قمارخانه است، ادبیات کاباره است.»؛

- «من حریف شما هستم. نیروی قدس حریف شما است.»؛

- «ما ملت شهادتیم، ما ملت امام حسینیم.».



شکل شماره ۵. نمونه پنجم ساخت اندیشگانی سخنرانی سردار سلیمانی

فرایند رابطه‌ای به کار رفته در این بندها جنبه توصیف دارد و بر رابطه یک چیز و یک ویژگی دلالت می‌کند، کارکرد این فرایند در مواردی حضور پررنگ‌تری دارد که باز هم انگشت اشاره سردار بر نقطه ضعف ریاست جمهوری آمریکا نشانه می‌رود و از عدم پایداری رئیس جمهور آمریکا به اخلاق و پایداری ملت ایران به دین اسلام و عقاید ریشه‌دار دینی سخن می‌گوید. در گزاره نخست، مفاهیم «قمارخانه» و «کاباره» مفاهیمی هستند که برای چندمین بار در گفتمان

سردار تکرار می‌شوند تا از طریق آنها آمریکا و ترامپ «هویت‌زدایی» و در سطح آب‌زهای حقیر و ناچیز پایین آورده شوند.

در گزاره‌های دوم و سوم، سپاه و ملت ایران به‌طور آشکار با مشخصه شجاعت و قدرت و هویت دینی بازنمایی شده‌اند، به‌گونه‌ای که نهراسیدن از مرگ و کانونی بودن فرهنگ شهادت در پیوند با امام حسین(ع) و راه ایشان قرار گرفته است. این دو گزاره در مقایسه با گزاره نخست، برجسته‌سازی قدرت سپاه و تکیه بر پشتوانه محکم دینی-فرهنگی و طرد گفتمان ترامپ را به نمایش گذاشته است.

بر اساس رویکرد نقش‌گرایی هلیدی، ساختار گذرایی یا همان اندیشگانی در هر زبان، به-کمک سخنگویان آن زبان می‌آید، تا افعالی را در کلام خویش به‌کار گیرد که متناسب با محتوا و موضوعی است که بر زبان جاری می‌سازد؛ لذا باید پذیرفت انتخاب فرایندهای مختلف در یک بند، هرگز تصادفی نخواهد بود؛ بلکه هر فرایند جهت‌مند و در راستای بازنمود افکار، احساسات و تجارب گوینده به‌کار گرفته می‌شود و در قالب فعل‌های مختلفی در متن تجلی می‌یابد، چنانکه بررسی این فرایندها دریچه‌ای برای درک بهتر باورها و عقاید نویسنده، پیش-روی خواننده می‌نهد. این سخنرانی از ۱۵۷ جمله‌واره تشکیل شده که در قالب جدول، شمار فرایندهای مختلف به‌کار رفته در متن را مشخص می‌کنیم که روشنگر ایدئولوژی پنهان متن است. جدول زیر فراوانی انواع فرایند در گفتمان حاج قاسم سلیمانی را در سخنرانی مورد بررسی نشان می‌دهد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل شماره ۶. فراوانی انواع فرایند در گفتمان حاج قاسم سلیمانی در سخنرانی خطاب به ترامپ

شمارش و مقایسه فعل‌های موجود در سخنرانی مورد بررسی نشان می‌دهد که فرایند مادی با ۴۲٪ بیشترین کاربرد را در متن داشته است که با توجه به محتوای این سخنرانی، کاربرد این فرایند کاملاً طبیعی است؛ زیرا حاج قاسم سلیمانی بیشترین توجه خود را، معطوف به اقدامات تروریستی و جنایتکارانه ساخته که سران آمریکا بر کشورهای منطقه روا داشته‌اند. پس از آن با بسامد قابل توجه فرایند رابطه‌ای ۲۵٪ و سپس بیانی ۲۱٪ مواجه هستیم؛ به این صورت که ایشان با برشمردن صفات منفی ترامپ در راستای هویت‌زدایی، طرد، به حاشیه‌رانی و حذف گفتمان «دیگری» برآمده و با برشمردن صفات سپاه جمهوری اسلامی ایران به برجسته‌سازی گفتمان «خود» و تثبیت قدرت ایران کمک کرده است.

فرایند ذهنی با ۱۱ درصد فراوانی، بیش از هر چیز بر خواستار و سپس شناخت قدرت ایران دلالت دارد. فرایند رفتاری در گفتمان حاج قاسم سلیمانی جایگاهی ندارد؛ چنانکه تنها در یک مورد از افعال این حوزه بهره برده و این امر حاکی از این است که رفتارهای شخصی در گزینش‌های ایشان اهمیتی ندارند و شاید بتوان گفت در امر بازنمود قدرت و اقتدار، ضرورتی به کاربرد این عنصر مذکور نیافته است.

۴-۲. کارکرد زبان در بازنمود روابط بینافردی

پیش از این گفته شد که کارکرد بینافردی زبان، بیان‌گر چگونگی تعامل با دیگران و تثبیت و تنظیم روابطی اجتماعی است که بنا به مقاصد و همچنین تأثیرگذاری بر مخاطب و القای دیدگاه‌های خود در ارتباط زبانی برقرار می‌شود. در این ساخت، وجهیت نقش عمده‌ای در ایجاد رابطه خاص میان نویسنده، متن و خواننده دارد. وجهیت در نظریه هلیدی، با احساسات، باورها، اندیشه‌ها و میزان قطعیت‌گوینده از گفته خویش در ارتباط است (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۸۷) که با بندهایی خبری که حاکی از قطعیت است، قیدهایی شک، یقین، احتمال، لزوم و اجبار و فاعلی-ساز و بندهای پرسشی با مقوله‌بندی‌های مفهومی و ارزشی مشخص می‌شود:

- «این بیانات، خیلی مهم بود و خیلی مهم است.»

- «می‌خواهند علیه این نوع بیانات گفتاری داشته باشند. این غلط است.»

- «این نوع بیانات به جامعه ما در مقابل عملیات روانی دشمن جسارت می‌دهد.»

- «یکی از اثرات تربیتی مسئولین که مهم‌ترین اصل در اصل تربیتی هست، اصل القایی است، تربیت القایی است... جبهه یکی از اثرات تربیتی آن اثرات القایی بود، فرد می‌دید اثر می‌گذاشت و متأثر می‌شد.»

- «این بیانات شجاعانه و قابل افتخار رئیس‌جمهور محترم ما بر همه جامعه ما اثر گذاشت. هر کس بخواهد این‌ها را تضعیف کند و این روش را تضعیف کند و این بیان را تضعیف کند، او خیانت می‌کند.»

در هر یک از این بندها، با قطعی بودن گزاره‌هایی مواجه هستیم که سردار سلیمانی به زبان می‌آورد. ارائه جملات به صورت یک حکم جامع، استفاده از واژگان دال بر ارزش‌دهی مانند خیلی مهم است، مهم‌ترین اصل تربیتی است، غلط است، خائن است و... نشان از نگرش قاطعانه‌گوینده نسبت به رویدادهای جامعه دارد و به تعبیر نورمن فرکلاف «عمومیت صورت-های وجهی مطلق، از وجود دیدگاهی شفاف نسبت به جهان حکایت می‌کند.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۸)

سردار سلیمانی در این سخنرانی اطلاعات و گزارشی از بیانیه رئیس‌جمهور ایران در رابطه با آمریکا، اهمیت این بیانیه در حفظ وحدت و خیانت برخی افراد در تضعیف آن به مخاطب ارائه می‌دهد. این وجه که دال بر قطعیت‌گفتمان حاج قاسم سلیمانی در ثمربخشی بیانات جسورانه سیاستمداران ایران در پاسخ به دشمنان است، پس از حمایت از موضع رئیس‌جمهور محترم ایران، در راستای افشاگری جنایات دشمن به کار می‌رود و اینچنین گزارشی از جنگ-

افروزی آمریکاییان در منطقه ارائه می‌شود تا مخاطب بداند سیاست آمریکا در طول تاریخ چیزی غیر از جنگ‌طلبی و حمایت بی‌قید و شرط از تروریسم نبوده است:

- «شما با ۱۶۰ هزار سرباز و چند برابر آنکه در افغانستان استفاده کردید، مغرورانه از حوادث افغانستان به عراق حمله کردید.»

- «بیش از ۶۰ درصد کشته‌های شما مردم عادی بودند و هستند.»

- «اسرائیل این کشور قلبی، این سازمان قلبی، رژیم قلبی صهیونیست که مثل وزنه‌ای آویزان به پاهای شماست، شما را در منطقه به زیر آب کشیده و غرق کرده، پشت او در جنگ ۳۳ روزه ایستادید.»

سردار سلیمانی در این بندها، علاوه بر گزارش واقعیت، کنشگران اجتماعی را با استفاده از یکسری اصطلاحات یا واژگانی که بر ارزش‌دهی منفی دلالت می‌کنند، مورد ارزشیابی قرار می‌دهد. برای مثال اصطلاح «رژیم» یا واژه «قلبی» که چند بار تکرار شده، مفهومی هستند که دارای وجه ارزش‌دهی منفی هستند. واژه «رژیم» مفهومی است که «دیگری» را نامشروع بازنمایی می‌کند. این واژه در گفتمان سردار سلیمانی به لحاظ شناختی بیان‌کننده ارزش منفی است که ایشان برای صهیونیست‌ها به‌عنوان حکومتی غاصب و اشغال‌گر قائل است. سردار از اطلاق واژه دولت به ساخت سیاسی اسرائیل خودداری می‌کند تا بر ستم‌پیشگی آنان تأکید کند و با تکرار واژه «قلبی» اعلام دارد که پذیرش این سازمان به‌عنوان یک کشور، عادلانه و بدون تقلب انتخاب نشده و دلایل چندی برای مخالفت با آن وجود دارد.

علاوه بر قیدهای بیان‌کننده میزان قطعیت و اصطلاحات واجد ارزش‌دهی، فاعلی‌سازی وجه جملات با ضمیر متکلم «من و ما» از دیگر ابزارهای بیان نگرش گوینده است که بیش از ۴۰ بار در کلام به کار رفته‌اند و قطعیت نسبتاً بالایی به کلام وی می‌بخشد:

- «من می‌دانم در کشور کسانی هستند که به نوعی تحرک می‌کنند و می‌خواهند این نوع بیانات را ضعیف کنند.»

- «من جواب تو را می‌دهم به‌عنوان سرباز این ملت.»

- «ما تشنه شهادت هستیم.»

به‌کارگیری متناوب وجه پرسشی در بین جملات خبری، مهارت حاج قاسم به‌عنوان یک سخن‌ور در انتخاب وجوه بین شخصی را به نمایش می‌گذارد. حضور مؤثر این وجه در گفتمان از ملال‌آور شدن جملات خبری و گزارش صرف واقعیت‌ها کاسته و تنوع و تحرکی به متن بخشیده است. وجه پرسشی که بنابر ارزش زبانی آن عمدتاً با هدف گرفتن اطلاعات از

مخاطب در متن حضور می‌یابد، در سخنرانی حاج قاسم کارکردهایی هنری به خود می‌گیرد و بیانگر توبیخ و سرزنش آمریکا نسبت به جنایات و قتل و کشتار مردم در طول سالیان سال حضور در منطقه خاورمیانه است؛

- «شما چه می‌توانستید بکنید که در طول این بیست سال نکردید؟»

- «با چه پیشینه‌ای تهدید می‌کنید؟ شما جنایتی بود انجام نداده باشید؟»

- «در شهر کوچکی مثل غزه، شما چه غلطی توانستید بکنید؟ غیر از این است که همه شروط حزب الله برای پایان جنگ را پذیرفتید؟ غیر از این است که همه شروط فلسطینی‌ها از حماس و جهاد و گروه‌های دیگر فلسطین در جنگ‌های دیگر فلسطین در غزه را پذیرفتید؟»

- «جنگ ۴۰ روزه امسال ۴ سال را پشت سر می‌گذارد، جز جنایت و کودک‌کشی و زن‌کشی و حمله به خانه‌های مردم چه به دست آوردید؟... شما برای ما خط و نشان می‌کشید؟ شما ما را تهدید می‌کنی؟»

کارکرد وجه پرسشی در شعارهای حاج قاسم سلیمانی علاوه بر توبیخ و سرزنش آمریکا، تحقیر و به سخره گرفتن آنها است؛ چنان که پس از ناکام ماندن در هر نقشه برای خروج از مهلکه تقاضای صلح می‌کنند:

- «در افغانستان چه غلطی کردید؟ مگر نه این است که امروز دارید پیش طالبان التماس می‌کنید برای صلح و گفت‌وگو؟ غیر از این است؟ غیر از این است که شما کشور پاکستان و دولت افغانستان را تحت فشار قرار دادید برای مذاکرات صلح؟»

این بیان روشنگرانه و البته تلخ برای ترامپ، زمانی پررنگ‌تر می‌شود که پرده از رسوایی آمریکا در درخواست کمک از سردار سلیمانی برداشته می‌شود، آنجا که یک مقام رسمی آمریکا برای فرار از باتلاق عراق، از سردار سلیمانی درخواست کردند که میانجی‌گری کند تا سربازانشان را از کشور خارج کنند:

- «بپرسید از فرمانده وقت خودتان که چه اتفاقی افتاد که چه کسی را فرستاد پیش من، سرباز این کشور نه رئیس جمهور؛ گفت آیا می‌شود به ما مهلت بدهید، از نفوذ خود استفاده کنید و به ما وقت بدهید تا سربازان ما این چند ماه مورد حمله مجاهدان عراقی قرار نگیرند، ما از عراق خارج بشویم؟ شما یادتان رفته برای سربازانتان در درون تانک‌ها پوشک بزرگسال تهیه می‌کردید؟ حالا امروز آمدید ما را تهدید می‌کنید؟»

نکته دیگر استفاده آمریکا از منافقین در راستای تیره جلوه دادن و تبلیغات منفی علیه ایران است که حاج قاسم باز هم با وجهی پرسشی که مفهومی استهزائی را در خود جای داده، فعالیت‌های آمریکا را به چالش می‌کشد:

- «شما این زباله‌های بیرون ریخته ملت ایران را، این منافقین ضد انقلاب را جمع می‌کنی به این‌ها دلبسته‌ای؟ آمریکایت این است؟ یک دختر و زن ولگرد را تلویزیون به تلویزیون می‌چرخانید امیدتان به این است؟ این است همه‌توان شما؟»

اما وجه التزامی که «جهت‌گیری و حالت‌گوینده نسبت به اجرای یک عمل از نوع درخواست، توصیه، اجبار و فرمان را می‌رساند» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۸۷) در گفتمان حاج قاسم سلیمانی با بسامدی کمتر، اما هدفمند و جهت‌گیرانه در راستای کمرنگ‌سازی دانش ترامپ و دانسته‌های وی نسبت به اقتدار ایران اسلامی به کار رفته است:

- «تو سابقه که نداری و به دلیل این‌که فکرت مشغول چیزهای دیگری است اجازه پرسیدن هم نمی‌دهی. از پیشینیان خودت بپرس، از فرماندهان نظامی خودتان بپرس، از سیاستمداران آمریکا بپرس، از رؤسای سازمان امنیتی بپرس، از سازمان سیاه بپرس، بپرس و حرف‌های نادانسته را بر زبان جاری نکن.»

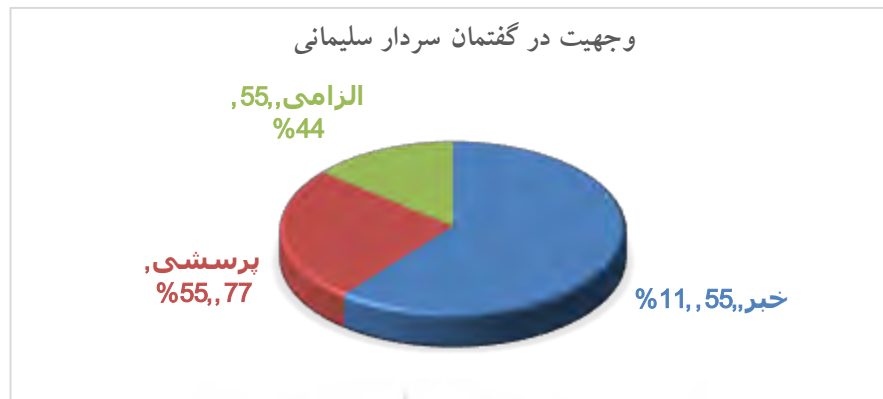
سردار سلیمانی در عبارات فوق با تکرار بندهای امری، رئیس‌جمهور آمریکا را شخصی بی‌اطلاع از تاریخ و فاقد دانش سیاسی به تصویر می‌کشد و به ترامپ توصیه می‌کند با کمک سیاستمداران آمریکا دانش خویش را به روز کند. این شیوه بهره‌گیری از وجه الزامی به نوعی با هدف محو و کمرنگ‌سازی قدرت سیاسی ترامپ صورت گرفته تا به خواننده اعلام دارد که بیانیه توهین‌آمیز ترامپ حاکی از عدم درایت و فهم وی نسبت به ایران است:

- «بپرس ما حوادث سختی پشت سر گذاشتیم. بیا ما منتظریم، مرد این میدان ما هستیم برای شما... این جنگ را شما شروع می‌کنی اما پایانش را ما ترسیم می‌کنیم، بنابراین نباید به ملت ایران اهانت کنی، نباید به رئیس‌جمهور ما اهانت کنی باید بدانی چه می‌گویی، از پیشینیان خود بپرسی از تجربه آنان بهره ببری.»

- «ما را تهدید به کشتن نکن.»

با نگاهی به این بندها به وضوح می‌توان اقتدار و صلابت را در گفتمان سردار شهید حاج قاسم سلیمانی مشاهده کرد که پیشینه مبارزاتی ملت ایران در گذر زمان و در روزهای سخت جنگ تحمیلی را در برابر ترامپ قرار می‌دهد تا به خود اجازه ندهد ملتی را تهدید کند که از

پشتوانهٔ راسخ دینی - اعتقادی برخوردار است و شهادت در راه دست یافتن به آرمان را فخر خویش بر می‌شمرد.



شکل شماره ۷. وجهیت در گفتمان حاج قاسم سلیمانی در سخنرانی خطاب به ترامپ

بررسی و شمارش جمله‌واره‌های سخنرانی مورد نظر در سطح بینافردی حاکی از این است که وجه خبری با ۶۵ بند، در وهلهٔ اول بر گزارش و روایت فعالیت‌های ددمشانه و جنایتکارانهٔ آمریکا و سپس بر ظلم‌ناپذیری، قدرت و اقتدار ایران دلالت می‌کند که بیشترین بسامد را در این سخنرانی به خود اختصاص داده است؛ پس از آن وجه پرسشی با ۲۷ بند و بندهای الزامی با ۱۴ بند قرار گرفته است که ضمن تنوع بخشیدن به شیوهٔ بیان مقصود، مانع یکنواخت شدن بندها شده‌اند.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج به‌دست آمده از این پژوهش که با عنوان «جلوه‌های صلابت و اقتدار در گفتمان سردار قاسم سلیمانی با تکیه بر سازه‌های معنا ساز گفتمانی، بر اساس رویکرد نقش-گرای هلییدی» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ می‌توان به این شکل دسته‌بندی کرد:

تحلیل سخنرانی مورد نظر بر اساس ساختار گذرایی بندها، نشان می‌دهد که بیشترین نوع فرایندهای به‌کار رفته در این بندها از نوع مادی و پس از آن به ترتیب رابطه‌ای و کلامی است. به‌کارگیری درصد نسبتاً بالای فرایند مادی، به علت حضور دو کنشگر متقابل در متن است، در پاره‌ای از بندها آمریکا و شخص ترامپ در نقش «کنشگر» و مشارک اصلی بند به تصویر کشیده شده که سلب امنیت، آزادی و در واقع نابود ساختن زندگی کشورهای حوزهٔ

خاورمیانه را «هدف» خود قرار داده و در قطب مخالف ایران و سپاه پاسداران در نقش «کنشگر» ظاهر گشته‌اند که براندازی کیان ظلم و خودکامگی «هدف» مبارزات آنان است. بسامد قابل توجه فرایند رابطه‌ای، دال بر اهمیت ویژگی‌ها و توانمندی‌های زبان در به-حاشیه‌رانی آمریکا با استفاده از عباراتی با بار ارزشی منفی و برجسته‌سازی شاخصه‌های مردم ایران با عبارات دارای بار ارزشی مثبت است. اما فرایندهای بیانی بیش از هر چیز در راستای کمرنگ‌سازی وجهه سیاسی ترامپ است، چنانکه گفتمان وی در مهم‌ترین جلسات سیاسی و در گفت‌وگو با سران کشورها در حد یک کاباره‌چی و قمارباز نزول می‌یابد. حضور فرایندهای ذهنی نه برای انتقال احساسات درونی که برای درک امور و بیان خواسته‌ها به‌کار رفته است. در سطح بینافردی، بسامد جمله‌های خبری در گفتمان سردار سلیمانی بیش از بندهای الزامی و پرسشی است و با توجه به این‌که این سخنرانی خطاب به ترامپ و آمریکا است و بیش از هر چیز به بیان جنایت‌های این کشور و حمایت وی از تروریسم در منطقه می‌پردازد، فراوانی بندهای خبری کاملاً طبیعی است؛ بسامد بندهای الزامی و پرسشی نیز از این حیث که با بندهایی جان‌دار و کوبنده به توییخ، سرزنش و تحقیر ترامپ و دیگر سیاستمداران آمریکا پرداخته است، ارزش والایی دارند.

References

- Akbari mozdabadi, Ali (1396): *haj qasem: an investigation on memories of haj qasem, seventh edition, publishing: ya Zahra. (In Persian)*
- Akbari mozdabadi, Ali (2019): *Zoolfaghaar: A query on the diaries and positions of Haj Ghasem, publishing: ya Zahra. (In Persian)*
- Abolhasani, Zahra and Maryam mirmalek saani (1387): "Study of academic textbooks based on functional theory of grammar of halliday and comparison with non-curricular texts,, sokhan_e_samt, No 00. (In Persian)
- Aghagolzadeh, ferdos (2006): *Critical Discourse analysis, first edition, Tehran: Elmi Farhangi publishing. (In Persian)*

- Bahman, Shoaib (2019): *The role of Quds Force in resolving the West Asia crises.*
- Collective of authors (2019), *Sardar Del Ha (memoirs and Life of martyr General Haj Ghasem soleimani)*, Tehran: ghadir publishing. . (In Persian)
- Fairclough, Norman (2000): *Critical Analysis of discourse*, translated by fatemeh shayesteh piran and the others, Tehran: Center for Media Studies and research. (In Persian)
- Fotoohi, Mahmood (2013): *Typology of theories, approaches and methods, second edition*, Tehran: sokhan. (In Persian)
- Halliday. M.K (1985): *An Introduction to Functional Grammar*. London: Edward Arnold.
- Halliday. M.K (1994): *Systemic theory*, In Asher.R.E(Ed).
- Hallyday, Michael and hasan roghayeh (1393): *Language, texture and text: Aspects of the language in the perspective of social semiotics*, translated by Mojtaba monshi zadeh and Tahereh Ishani, Tehran: elmi. (In Persian)
- Kaveh, naser (9999): *I am qasem soleymani the soldier of velayat*, Tehran: noavaraan sina. (In Persian)
- Madadi, javad,(6666): "Iran, influence and regional authority of which diplomacy?", *The Journal of Islamic World Strategic Studies*, No. 99. (In Persian)
- Mashkoot al dini, Mahdi (1388): *the history of linguistics*, Fifth printing .Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad Press. (In Persian)
- Mohajer, Mehran and mohammad nabavi (1376), *The Book of brother Ghasem, an investigation on thought of Haj Ghasem*, Mehr amir alMomenin publishing. (In Persian)
- Robens, R.H (2014): *Brief linguistics history*, translated by Ali Mohammad hagh shenas, 22 edition, Tehran: maad publishing. (In Persian)
- Salehi, Fatemeh (2007): "semantics and functional grammar of hallyday,, *ketab_e_mah literature*, No 8, consecutive 122. (In Persian)

- Soleymani, qasem (2018): *Lecture on memorial operation of Ramadan in the Imam Khomeini's Hosseinie of Hamadan. (In Persian)*
- *The Journal of Islamic World Strategic Studies, No. 99.*
- Yaar mohammadi, lotfollah (2004): *Common and Critical discourse, first edition, Tehran: Hermes. (In Persian)*



***Study of the authority in the discourse of Haj Qasem Soleimani
relying on the semiotic structures: Examples Lecture by Trump***

Shiva Sadeghi¹

Somayeh solati²

Abstract

The discourse of general qasem Soleimani is a representation for a far_sighted intellectual person who is related to the people's authority and his militancy ethics which this discourse has raised tall against the political and military turmoil in western asia. Considering the importance of using scientific theories in discourse analysis, the approach of this research is a descriptive_analytic study which includes a review of the lecture by general qasem Soleimani in memorial conference of the martyrs of Hamedan by relying on the semiotic structures of the hallyday. The results of the research show that general in his discourse has benefited from linguistic capacities and self-selection and it is well used in order to accentuate the culture of martyrdom and highlighting the discourse of "the self" and fading the discourse of "the other" in relation to terrorism. In intellectual level, the number of material processes, is the reason for the importance of the recall of negative rejection and the brutal activities of trump. In this regard, the use of newsgroups also implies the dominance of the reporting element and the certainty of the general's view implies to the American war and crimes in the region. After the news sentences are a number of questions which it has aesthetic value, as in all cases with the classification of blame and reproach, puts the United States in an eternal link to terrorism, destruction and massacre.

Key words: *discourse analysis semiotic structures, hallyday, memorial speech of Hamadan martyrs, General Qasem Soleimani.*

¹. Assistant professor of razi university of Kermanshah.

². MA at the razi University of Kermanshah (responsible author). Email: solatis00@yahoo.com